



## سلسله درسهای از آیه الله العظمی منتظری بحثی پیرامون تعزیرات شرعی (۳)

جهت ششم:

حدّ تعزیرات بدنی وحدافل وحداکثر مقدار آن

□ ۱ - شیخ (ره) می فرماید: مقدار تعزیر به مقدار حدّ کامل نمی رسد بلکه کمتر از آن است و کمترین مقدار حدّ نسبت به افراد آزاد هشتاد تازیانه و نسبت به برده ها چهل تازیانه می باشد پس تعزیر در مورد شخص آزاد هفتاد و نه تازیانه و در مورد برده، سی و نه تازیانه خواهد بود.\*

شافعی می گوید: کمترین مقدار حدّ نسبت به افراد آزاد که حدّ شرب خمر است چهل و نسبت به برده بیشتر ضربه شلاق است بنابراین، تعزیر فرد آزاد از سی و نه و برده از نوزده نباید تجاوز کند.

ابوحنیفه گفته: تعزیر نباید به کمترین مقدار حدّ برسد، از نظر او کمترین مقدار حدّ که حدّ دشنام دادن و نسبت شرب خمر به برده می باشد، چهل تازیانه است، بنابراین بطور کلی تعزیر نباید به چهل تازیانه برسد.

.....

هـ - الخلاف کتاب الاشریة، مسأله ۱۴.



ابن ابی لیلی و ابویوسف گویند: کمترین مقدار حد هشتاد تازیانه است پس تعزیرات نباید به این مقدار برسد بلکه بیشترین مقدار آن باید هفتادونه ضربه باشد و این، نظیر همان نظریه ای است که ما انتخاب کردیم. و مالک و اوزاعی گفته اند: مقدار تعزیر بستگی به نظر امام دارد، اگر صلاح بدانند می‌تواند سیصد تازیانه یا بیشتر بزند چنانکه عمر به شخصی که نامه ای بر علیه او جعل کرده بود، سیصد تازیانه زد.<sup>۱</sup>

عرض می‌شود: نظر شیخ در خلاف موافق حق و همچنین موافق آنچه که در پاره ای از کتابهایش برگزیده است، نیست چون بنا بر اینکه مقدار تعزیر از کمترین مقدار حد نباید تجاوز کند، کمترین مقدار آن هفتاد و پنج ضربه است که حد قیادت است چنانکه در روایت عبدالله بن سنان<sup>۲</sup> آمده، بلکه می‌توان گفت که کمترین مقدار حد دوازده شلاق و نصف می‌باشد، حد کسی که در عین داشتن همسر با زن برده و یا با وجود داشتن همسر مسلمان با زن کتابی ازدواج کرده باشد، چنانکه در روایت منصور بن حازم<sup>۳</sup> آمده است البته اگر این قبیل مجازاتها - به سبب تعیین مقدار آن از طرف شارع مقدس - از حدود شرعی به حساب بیایند.

□ ۲ - شیخ در نهاییه گوید: هرگاه دو مرد یا مردی با پسر بچه ای در زیر یک لحاف به صورت برهنه دیده شوند و دو نفر شاهد عادل بر علیه آنها شهادت دهند و یا خودشان به ارتکاب این جرم اقرار نمایند به هر کدام از آنها - به صلاح دید امام - سی تا نود و نه شلاق باید زده شود<sup>۴</sup> در این صورت عبارت شیخ در قسمت اشریه کتاب خلاف که در آن هشتاد تازیانه را به عنوان کمترین مقدار حد ملاک قرار داده و تعزیر باید از آن کمتر باشد بر چه موردی حمل می‌شود؟

□ ۳ - ابن ادریس در سرائر گوید:

روش مطلوب در تعیین مقدار تعزیر آن است که اگر جرم ارتکابی با زنا و لواط و سحق متناسب باشد، در آن صورت، حد زنا یعنی صد تازیانه ملاک قرار داده می‌شود، بنا بر این، تعزیر، کمتر از این مقدار (صد ضربه) بوده و مساوی یا بیشتر از آن جایز نخواهد بود فعلی هذا حاکم می‌تواند به مرتکبین این جرائم از سی تا نود و نه ضربه به عنوان تعزیر بزند.

.....

۳- وسائل الشیعة ج ۱۸ ص ۴۱۵.

۱- الخلاف کتاب الاشریة، مسألة ۱۴.

۴- نهاية الاحکام ص ۷۰۵.

۲- وسائل الشیعة ج ۱۸ ص ۴۲۹.



و اما اگر تعزیر متناسب با حدّ شارب الخمر و فحاش یعنی هشتاد ضربه باشد قهراً تعزیر هم از سی تا هفتاد ضربه باید خواهد بود و به همین جهت در بعضی از کتابها مقدار تعزیر را یک بار نود و نه و بار دیگر هفتاد و نه تازیانه تعیین کرده اند... و آنچه با اصول مذهب و روایات ما سازش دارد آن است که تعزیر نباید به مقدار حدّ کامل که صد ضربه باشد، برسد، خواه جرم ارتكابی متناسب با زنا باشد یا با دشنام دادن و این تفصیلی که شیخ به آن اشاره می فرمایند از نظریات و فروع فقهی مخالفین بوده، و از اجتهاد و قیاسهای باطل آنها سرچشمه می گیرد\*.

عرض می شود: لازمه قسمت آخر سخن ابن ادریس آن است که به دشنام دهنده، هشتاد تازیانه زده می شود و به کسی که جرمی شبیه دشنام دادن مرتکب شده ولی عمل او سبک تر از دشنام دادن باشد تا نود و نه ضربه می توان زد و فکر نمی کنم کسی به آن ملتزم شده باشد.

□ ۴ - محقق در شرایع گوید: تعزیر فرد آزاد به مقدار حدّ او و تعزیر برده به مقدار حدّ برده نباید برسد. و مثل همین مطلب در قواعد نیز آمده است.

□ ۵ - در جواهر حدّ فرد آزاد را به صد تازیانه و حدّ برده را به چهل تازیانه تفسیر و تعیین کرده ولی علت تفسیر خود را (حدّ حرّ را به بیشترین مقدار آن و حدّ برده را به کمترین مقدار) روشن نساخته و سپس چنین فرموده است: بعضی از علماء گفته اند «تعزیر مطلقاً نباید به کمترین مقدار حدّ برده برسد»، چنانکه بعضی دیگر می گویند: «تعزیر نباید به حداقل مقدار حدّ برسد، و حداقل حد در مورد حرّ هفتاد و پنج تازیانه و در مورد برده چهل تازیانه خواهد بود». و عده ای دیگر گفته اند: «تعزیر جراثمی که با زنا متناسب اند نباید به حدّ زنا و جراثمی که با دشنام دادن و شرب خمر متناسب اند نباید به اندازه حدّ دشنام و شرب خمر، برسد و تعزیر جراثمی که با هیچ کدام از موارد بالا متناسب نیستند به کمترین مقدار حدود که عبارت از حدّ قوادم و مقدار آن هفتاد و پنج تازیانه است، نباید برسد». این نظر را صاحب مسالک از شیخ و علامه در مختلف نقل کرده است.<sup>۵</sup>

□ ۶ - نووی در منهاج ص ۵۳۵ - که در فقه مذهب شافعی است - گوید: اگر خواستند مجرم را شلاق بزنند در صورتی که برده باشد به بیست و در صورتی که حرّ باشد به

.....

\* - جواهر ج ۴۱ ص ۴۴۸.

# - ص ۴۵۰.





چهل - و بنابر قولی به بیست - تازیانه نباید برسد و مطابق صحیح ترین نظریات این نظریه، در مورد کلیه جرائم قابل اجراست.

□ ۷ - ابن قدامه حنبلی چنین گوید<sup>۶</sup>: در بیان فتوای احمد در رابطه با مقدار تعزیر اختلاف شده است از او نقل شده که تعزیر از ده ضربه نباید تجاوز کند، خود احمد در چند مورد به این نظر تصریح کرده است و اسحاق نیز به استناد روایتی همین قول را برگزیده که ابو بکر از رسول خدا (ص) روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند: «کسی را جز به عنوان حدی از حدود خدا نباید بیشتر از ده شلاق زد» و به موجب روایت دیگری، تعزیر نباید به مقدار حد برسد و این همان روایتی است که خرقی ذکر می‌کند...

ممکن است از کلام احمد و خرقی استفاده شود که تعزیر هر جرمی نباید به حد جنایتی از جنس خودش برسد و از حد جنایتی غیر از جنس خود می‌تواند تجاوز بکند و از کلامی که از احمد نقل شده این نظر از آن فهمیده می‌شود بنابراین بر جرائمی که از مقدمات و طی می‌باشد نود و نه تازیانه می‌زنند تا از حد زنا کمتر باشد و بر جرائمی که از مقدمات آن به حساب نمی‌آیند مقداری که به کمترین مقدار حد نرسد می‌زنند.

مالک می‌گوید در صورتی که امام صلاح بداند تعزیر از مقدار حد نیز می‌تواند تجاوز بکند و در این فتوای به روایتی استناد جسته که می‌گوید: معن بن زائده، مهربی همانند مهر بیت المال ساخته و آن را پیش مسئول بیت المال برده و مالی از او گرفت، این داستان به اطلاع عمر رسید او را صد تازیانه زد و روانه زندان ساخت در این مورد با عمر صحبت شد، صد تازیانه دیگر به او زد وقتی این موضوع برای دفعه بعد پیش عمر مطرح شد صد تازیانه دیگر زده و او را از مدینه بیرون راند.

□ ۸ - کاشانی در بدایع الصنائع<sup>۷</sup> که در فقه مذهب حنفی نوشته شده گوید:

تعزیر در مورد آن (نسبت ناروادادن به کودک یا دیوانه) زدن شلاق است و تا بیشترین مقدار تعزیر نیز می‌توان زد و آن از نظر ابوحنیفه سی و نه و از نظر ابو یوسف هفتاد و پنج و بنابه روایت «نوادر» از او، هفتاد و نه تازیانه است.

□ ۹ - ابن حزم در محلی<sup>۸</sup> می‌گوید:

علماء در مقدار تعزیر اختلاف کرده اند:

.....

۶ - مغنی ج ۱۰ ص ۳۴۷ . ۷ - ج ۷ ص ۶۴ . ۸ - ج ۸ ص ۴۰۱ مسأله ۲۳۰۵ .



- ۱ - عده ای می گویند: تعزیر اندازه مشخصی ندارد و امام می تواند مقدار آن را هرطوری که صلاح می داند تعیین نماید، حتی اگر از مقدار حد نیز - به هر اندازه ای که باشد - تجاوز کند و این نظریه مالک و یکی از نظریه های ابویوسف و ابو ثور و طحاوی از پیروان ابوحنیفه است.
  - ۲ - گروهی گویند: اندازه تعزیر صدویا کمتر از صد تازیانه است.
  - ۳ - گروه دیگری می گویند: بیشترین مقدار تعزیر نود و نه ضربه است.
  - ۴ - و گروه دیگری می گویند: بیشترین مقدار آن هفتاد و نه شلاق و یا کمتر از آن می باشد و این یکی از اقوال ابویوسف است.
  - ۵ - گروهی گویند بیشترین مقدار آن هفتاد و پنج و یا کمتر از آن است و این قول ابی لیلی و یکی از فتاوی ابویوسف است.
  - ۶ - و به نظر گروهی: بیشترین مقدار آن سی تازیانه است.
  - ۷ - و به نظر گروهی دیگر: بیشترین مقدار آن بیست شلاق است.
  - ۸ - و به نظر عده ای هم، تعزیر از نه تازیانه نباید تجاوز کند و آن قول عده ای از پیروان شافعی است.
  - ۹ - و عده ای دیگر گویند: بیشترین حد تعزیر ده شلاق و کمتر از آن است و نباید از این مقدار تجاوز کرد. و این قول لیث بن سعد و اصحاب ما می باشد.
- ۱۰ - در معالم القرية<sup>۱</sup> می گوید:
- تعزیر باید کمتر از مقدار حد باشد زیرا رسول خدا فرموده: جرمی که مجازات آن به مقدار حد نرسد، تعزیر است، و برای آن که این معصیت ها از جرائم حد آور سبکترند پس مجازاتش نیز باید کمتر از مجازات آن ها باشد، بنابر این اگر مجرم حر باشد به چهل و اگر برده باشد به بیست تازیانه نباید برسد.
- به نظر ابوحنیفه بیشترین مقدار آن خواه مجرم آزاد باشد و خواه برده، سی و نه شلاق است و به نظر ابویوسف هفتاد و پنج تازیانه و به نظر مالک و اوزاعی مقدار آن بستگی به نظر امام دارد و دلیل ما روایتی است از رسول خدا که می فرماید: «کسی را جز به جهت حدی از حدود الهی بیشتر از ده (بیست ن ب) شلاق نزنید» و

.....  
 ۹ - باب ۵۰، فصل تعزیرات.



ظاهر این روایت آن است که بیشتر از ده (بیست) ضربه به هیچ وجه جایز نیست مگر اینکه دلیلی برای آن وجود داشته باشد و برای اینکه رسول خدا حدود را مجازات جرائم خاصی قرار داده است، بنابراین مجازات جرائمی نیز که به پایه آنها نمی رسند باید کمتر باشد.

این بود قسمتی از اظهارات علماء ما و علماء اهل سنت در رابطه با نظریات آنها پیرامون اقوال موجود در مسأله.

و از آنچه تا اینجا گفتیم می توان نتیجه گرفت که نظریات واقوال در مسأله مورد بحث زیاد است:

**اول:** تعزیر شخص آزاد نباید به مقدار حدّ حرّ و تعزیر برده نباید به مقدار حدّ برده، برسد چنانکه در شرایع و قواعد چنین آمده است ولی در عبارت این دو کتاب نسبت به احتمال حدّ اقل و اکثر حدّ، اجمال وجود دارد و دیدیم که جواهر حدّ حرّ را به صد ضربه یعنی بیشترین مقدار آن و حدّ برده را به چهل تازیانه یعنی کمترین مقدار آن تعیین و تفسیر کرده بود، شاید منظور صاحب جواهر این باشد که می خواهد این تعزیر شامل نود و نه شلاق — که در مورد دو مرد یا دو زن و یا یک مرد و یک زن اجنبی که در زیر یک لحاف دیده شوند، تعیین شده است — باشد، زیرا روایاتی به آن دلالت داشته و فقهاء مامطابق آن فتوا داده اند<sup>۱۰</sup>.

**دوم:** تعزیر نباید به کمترین مقدار حدّ حرّ در مورد حرّ و به کمترین مقدار حدّ برده در مورد برده برسد و این کمترین مقدار در باره حرّ و برده یک باره هشتاد و یا چهل تازیانه تفسیر شده چنانکه در خلاف چنین آمده — اگر چه ما به آن ایراد گرفتیم — و بار دیگر به هفتاد و پنج و یا چهل ضربه چنانکه جواهر نقل کرده است و یک بار هم به چهل و یا بیست تازیانه، چنانکه از شافعی و دیگران نقل شد.

**سوم:** تعزیر مطلقاً نباید به کمترین مقدار حدّ در مورد برده برسد و کمترین مقدار در این نظریه یک باره چهل ضربه — چنانکه از نقل جواهر و از حکایت نظریه ابوحنیفه چنین بر می آید — و بار دیگر به بیست تازیانه، تفسیر شده است، چنانکه از منهاج و معالم القربة فهمیده می شود.

**چهارم:** تعزیر مطلقاً نباید به بیشترین مقدار حدّ و حدّ کامل که صد تازیانه است

.....

۱۰ — به باب ۲۰ از ابواب حدّ زنا در «وسائل الشیعة» مراجعه فرمائید.





برسد چنانکه از سرائر چنین فهمیده می شود.

پنجم: در تعزیر باید میان معصیت‌ها فرق قائل شده و دید که معصیت مورد نظر با کدام یک از جرائم حدّ آور متناسب است، چنانکه مسأله را در سرائر چنین توجیه کرده و در مسالک آنرا به شیخ و علامه در مختلف نسبت داده و ابن قدامه در مغنی از احمد بن حنبل نیز چنین نقل کرده است.

ششم: حداکثر مقدار تعزیر هفتاد و پنج تازیانه است چنانکه از ابن ابی لیلی و ابویوسف نقل شد.

هفتم: بنا بر قولی که محلی آنرا نقل کرده، تعزیر صد تازیانه و کمتر از آن است، روایاتی که در مورد دیده شدن دو مرد عریان زیر یک لحاف، وارد شده آنرا تأیید می نماید.<sup>۱۱</sup>  
هشتم: بیشترین مقدار تعزیر سی شلاق است.

نهم: بیشترین مقدار آن نه شلاق می باشد.<sup>۱۲</sup>  
دهم: تعزیر نباید از ده شلاق تجاوز کند به طوری که در یکی از روایات از احمد چنین نقل شده است.

یازدهم: مقدار آن بستگی به نظر امام دارد، بدین ترتیب مقدار معینی برای آن وجود ندارد چنانکه از مالک و اوزاعی نقل شد.

این بود نظریاتی که ما در مورد این مسأله بدست آوردیم.

البته همه این اقوال در رابطه با مواردی است که از جانب شرع مقدس درباره مجازات آنها مقدار مشخصی تعیین نشده است و گرنه مقدار تعیین شده را باید رعایت کرد مگر اینکه گفته شود: در صورتی که در مورد جرمی مجازات به مقدار مشخصی از طرف شارع تعیین شود، چنین مجازاتی از تعریف تعزیر خارج شده و داخل در مصادیق حدّ می شود.  
در مسالک<sup>۱۳</sup> می گوید:

اصل در تعزیر آن است که مجازات مشخصی برای آن تعیین نشده باشد، چنانکه غالب افراد تعزیر چنین اند ولی در روایات، در مورد پاره‌ای از افراد تعزیر، مقدار

.....

۱۱ - به باب دهم از ابواب حد زنا از وسائل الشیعة مراجعه فرمائید.

۱۲ - ابن حزم این دو نظر (هشتم و نهم) را در محلی نقل کرده است.

۱۳ - ج ۲ ص ۴۲۳.



مشخصی برای آن تعیین شده است و آن در پنج مورد است:

**اول:** تعزیر شخصی که با همسر خود در روز ماه مبارک رمضان همبستر شود، بیست و پنج شلاق تعیین شده است.

**دوم:** شخصی که با داشتن همسر آزاد با زن برده ای ازدواج کند و بدون اجازه همسر آزاد با این زن همبستر شده باشد، به چنین شخصی دوازده شلاق و نصفی یعنی یک هشتم حدزنا زده می شود.

**سوم:** دو نفر که لخت زیریک لحاف خوابیده باشند، بنابر قولی از سی شلاق تا نود و نه شلاق برای چنین اشخاصی تعزیر تعیین شده است.

**چهارم:** کسی که دختر باکره ای را با انگشتش افضاء کرده باشد، شیخ می فرماید: از سی تا هفتاد و هفت شلاق و مفید می فرماید: از سی تا هشتاد شلاق و ابن ادریس می فرماید، از سی تا نود و نه شلاق برای چنین کسی تعزیر تعیین شده است.

**پنجم:** مرد و زن اجنبی که زیریک لحاف به حالت عریان باشند از ده تا نود و نه شلاق تعزیر برای آنها تعیین شده است، این نظر شیخ مفید است ولی شیخ در این مورد تعزیر را مطلق گذاشته و به مقدار آن متعرض نشده است. و در خلاف گفته: اصحاب ما در رابطه با مقدار تعزیر این جرم، روایتی نقل کرده اند.

**عرض می شود:** مناسب بود که صاحب مسالک تعزیر همبستر شدن با همسر در حال حیض و تجاوز جنسی به جانوران را که بیست و پنج شلاق برای آن تعیین شده بر آنها می افزود مگر اینکه گفته شود این دو مورد از مصادیق حدود مصطلح می باشد.

و نیز قولی را که مسالک در رابطه با مقدار تعزیر افضاء دختر باکره با انگشت از شیخ نقل کرده ما در کتابهای او ندیدیم بلکه در «نهایه» ص ۶۹۹ در رابطه با جرم مورد بحث گفته است: مجرم را از سی تا نود و نه شلاق به عنوان تعزیر بزنید.

حال به ذکر اخبار مسأله می پردازیم و آن بر دو قسم است:

**قسم اول:** روایاتی که در مورد جرائم خاصی وارد شده است و مجازات مشخصی در شرع برای آن تعیین شده است چنانکه موارد آنها را از مسالک نقل کردیم.

**قسم دوم:** روایاتی که به منظور تعیین تعزیر بطور مطلق و بدون مشخص کردن عدد خاص وارد شده اند مورد بحث ما همین قسمت است.





### اخباری که در مقدار تعزیر وارد شده است:

۱ - حماد بن عثمان در روایت صحیحی نقل کرده: از ابو عبدالله (علیه السلام) پرسیدم: مقدار تعزیر چقدر است؟ فرمود: باید از حد کمتر باشد، پرسیدم از هشتاد تازیانه باید کمتر باشد؟ فرمود نه، از چهل ضربه که حد برده است، پرسیدم: چقدر کمتر باشد؟ فرمود مقداری که حاکم صلاح می داند به تناسب جرم ارتكابی و مقاومت و تحمل بدنی مجرم.<sup>۱۴</sup> ظاهر روایت این است که تعزیر تنها با زدن تحقق پیدا می کند و بس، مگر اینکه بگوئیم منظور روایت این است که فرد غالب و رایج تعزیر را بیان کند نه مطلق تعزیر را و همچنین این روایت بر نظریه سوم - یعنی اینکه تعزیر به طور مطلق نباید به مقدار کمترین حد برده برسد - دلالت دارد. جرم ارتكابی از هر نوعیکه می خواهد باشد و اعم از اینکه مجرم برده باشد یا آزاد و همچنین از روایت چنین بر می آید که حداکثر مقدار تعزیر باید از چهل تازیانه کمتر باشد ولی حداقل آن، مقدار مشخصی ندارد بلکه این حاکم است که آن را تعیین می نماید البته عمومیت مواردش به وسیله موارد خاصی که از مسالک نقل کردیم استثناء می خورد و از نظر حماد کمترین حد مربوط به حر هشتاد تازیانه بوده است و شاید از روایت استفاده شود که امام نیز این حداقل را قبول نموده در حالیکه در گذشته نیز ذکر کردیم که کمترین حد حر، هفتاد و پنج تازیانه - که حد قیادت است - می باشد و این از جهات غیر قابل حل این حدیث می باشد.

۲ - مؤتقه اسحاق بن عمار: اسحاق می گوید از ابوابراهیم (امام کاظم «ع»)) درباره مقدار تعزیر سؤال کردم، فرمود: کمی بالاتر از ده ضربه، بین ده تا بیست.<sup>۱۵</sup>

مفهوم این مؤتقه از نظر حداقل و حداکثر مقدار تعزیر با صحیح حماد مخالفت دارد و ابن حمزه در «وسيله» در مورد تعزیر دشنام دادنی که در آن شرایط حد وجود نداشته باشد بر مبنای این روایت، فتوی داده است. *تال جامع علوم انسانی*

۳ - مرسله صدوق: صدوق روایت می کند: رسول خدا (ص) فرمود: برحاکمی که به خدا و روز قیامت ایمان آورده باشد جائز نیست به کسی بیش از ده تازیانه بزند مگر به عنوان

۱۴ - وسائل الشیعة، ج ۱۸ ص ۵۸۴.

۱۵ - وسائل الشیعة ج ۱۸، ص ۵۸۳، و مثل این روایت در «مستدرک ج ۳ ص ۲۴۸ از «نوادیر» احمد بن محمد بن عیسی از اسحاق بن عمار نقل شده است.



حدّ و در تأدیب برده، حضرت از سه تا پنج تازیانه را مجاز دانسته اند.<sup>۱۶</sup>  
نسبت دادن قاطعانه صدوق (ره) این روایت را به رسول خدا (ص) بر ثبوت مضمون آن از نظری وی و صدور آن از آن حضرت دلالت دارد و مفهوم آن با نظریه دهم که پیش از این از احمد بن حنبل - بنابراین یکی از دو روایت - نقل کردیم موافق است.

۴ - در مستدرک<sup>۱۷</sup> از جعفریات از امیرالمؤمنین (ع) از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: بر کسی که بخدا و روز جزا ایمان آورده، جایز نیست بیش از ده تازیانه به کسی بزند مگر به عنوان حدّ.

۵ - در صحیح بخاری<sup>۱۸</sup> از ابو بکر روایت کرده که رسول خدا (ص) می فرمود:  
جز در مورد حدّی از حدود الله بیش از ده تازیانه بر کسی نمی توان زد..  
و در همان کتاب در روایت دیگری از رسول خدا (ص) نقل می کند که جز به عنوان حدّی از حدود الله به کسی بیشتر از ده تازیانه نزنید.

عرض می شود: ابو بکر، ابن نبار انصاری است که در گروه هفتاد نفری در عقبه ثانیه با رسول خدا بیعت کرد و با آن حضرت پیمان دفاع و وفاداری بست و همچنین در بدر و احد و تمامی جنگهای صدر اسلام حضور رسول خدا (ص) بود و با امیرالمؤمنین (ع) در کلیه جنگهای آن حضرت شرکت و همکاری فعال داشت.

و چنانکه مشاهده می شود مضمون این روایت با مضمون مرسله صدوق هماهنگ است.

۶ - در مستدرک<sup>۱۹</sup> از فقه الرضا (ع) نقل می کند که تعزیر از ده و خرده ای تا سی ونه تازیانه و تأدیب از سه تا ده تازیانه می باشد.

عرض می شود: گویا مؤلف فقه الرضا یک جمع بندی در میان اخبار باب به عمل آورده و روایاتی را که بر جواز ده تازیانه و کمتر دلالت دارند به تأدیب کسانی که کار ناپسندی - که به مرتبه حرمت نرسیده - مرتکب شده اند اختصاص داده است بنابراین، این روایات ناظر به بیان بیشترین مقدار تأدیب می باشند و ذیل مرسله - و اذن فی ادب المملوک... - نیز شاهد این نظر است. و همچنین کلمه حدّ را که در روایت به کار رفته بر

.....

۱۸ - ج ۴ ص ۱۸۳ باب مقدار تعزیر و تأدیب.  
۱۹ - ج ۳ - ص ۲۴۸.

۱۶ - وسائل، ج ۱۸ ص ۵۸۴.  
۱۷ - ج ۴ ص ۲۴۸.



اعم از حد مصطلح و تعزیر حمل کرده، موثقه را به بیان کمترین مقدار تعزیر و صحیحۃ حماد را به بیان بیشترین مقدار آن ناظر دانسته است.

و منظور از بضعة عشر، یازده تازیانه و بیشتر می باشد ولی ذکر کلمه «والی» در مرسله با حمل مضمون آن به تأدیب سازگار نیست، زیرا تأدیب تنها اختصاص به «والی» ندارد، اما این اشکال به دیگر روایاتی که برجوازده و کمتر دلالت دارند متوجه نمی شود زیرا در آنها کلمه والی به کار نرفته است.

۷- در روایت عبید بن زراره آمده: از ابی عبدالله (ع) شنیدم می فرمود: اگر مردی را پیش من آورند که برده مسلمان را - که به نیکی مشهور است - به زنا متهم کند بر او یک تازیانه کمتر از حد یک فرد آزاد، حد می زنم. ۲۰

و منظور از کلمه حد در این روایت، تعزیر است زیرا در حد قذف مصطلح، شرط شده کسی که دشنام داده می شود باید آزاد باشد و موثقه ابویصیر از ابوعبدالله (ع) بر این مطلب شاهد است که آن حضرت می فرماید: کسی که به برده ای افترا می بندد - به خاطر احترام مسلمان بودن برده - باید تعزیر شود. ۲۱

و روایت عبید بن زراره پنجم، مشعر بلکه دلالت دارد بخصوص موقعی که روایات وارده درباره مقدمات زنا و تعزیر مرتکب آن با نود و نه تازیانه را ضمیمه آنها نمائیم، فعلی هذا تعزیر در مقدمات زنا، کمتر از حد زنا و تعزیر جرمی که تناسب با دشنام دادن باشد، کمتر از حد دشنام دادن خواهد بود.

و پیش از این گفتیم که مسالک این نظریه را به شیخ نسبت داده است و جمله: «لضربته الحدّ حدّ الحرّ الا سوطاً» بر تعیین مجازات مزبور به جرم مورد بحث در روایت، دلالت ندارد، بلکه روایت در مقام بیان حد اکثر مجازات می باشد و آن حضرت این مجازات را نسبت به موردی که ذکر کرده، اختیار می نماید.

این بود روایاتی که ما در این زمینه پیدا کردیم و لکن جمع بین آنها و رفع تعارض موجود در بین مفاهیم آنها، خالی از اشکال نیست.

و می توان گفت: روایت عبید بن زراره به مورد خاص خودش یعنی متهم کردن برده مسلمان به زنا، اختصاص داده می شود، پس ارزش دلالتی آن همانند ارزش دلالتی روایات

.....

۲۰ - وسائل ج ۱۸ ص ۴۳۴.

۲۱ - وسائل ج ۱۸ ص ۴۳۶.





وارد در موارد خاصی است که شهید در مسالک آنها را بر شمرده، — چنانکه گذشت — پس در مورد هر کدام، طبق مضمونش فتوی می دهیم.

بنابر این دستور کار در تعزیرات عمومی دَوْران دارد بین اینکه از نظر حداکثر، کمتر از چهل تا بوده و حداقل معینی نداشته باشد چنانکه از صحیحۀ حماد چنین استفاده می شود و بین اینکه از ده و خرده ای شروع و به سی ونه ضربه ختم شود. چنانکه در فقه الرضا چنین گفته و بین اینکه از ده و خرده ای شروع و به بیست تازیانه خاتمه یابد، چنانکه مفهوم موثقه چنین بود و یا اینکه از ده ضربه تجاوز نکنند چنانکه مرسلۀ صدوق و روایاتی که به مضمون آن هستند چنین دلالت می کردند.

**اگر چنین گفته شود:** چنانکه قبلاً اشاره شد روایت عبید به ضمیمۀ روایات وارده در مورد مقدمات زنا، ممکن است دلالت داشته باشد بر اینکه تعزیر در جرائمی که متناسب با زنا است باید کمتر از حدّ زنا و در جرائمی که متناسب با دشنام دادن است باید کمتر از حدّ دشنام باشد. بنابر این روایاتی که عمومیت دارند باید بر جرائمی که متناسب با زنا و لواط و سحر و دشنام نباشد، حمل شوند.

**جواب می دهیم:** روایت عبید به مورد متهم کردن بردهٔ مسلمان و صالح، به زنا اختصاص دارد بنابر این بر کلیۀ موارد تهمت و دشنام دادن و لعن کردن و هجو و اذیت، عمومیت پیدا نمی کند و انتخاب امام صادق (ع) مرتبۀ خاصی را در مقام عمل، بر شمول این مرتبه بر تمامی مراتب آن دلالت ندارد و روایاتی که بدانها اشاره شد اختصاص دارند به مورد برهنه شدن دو نفر در زیر یک لحاف، بنابر این بر حکم و مجازات بوسه و لمس کردن بدن اجنبی و امثال آن سرایت نمی کند اگر چه بعضی ها قائل به چنین تعمیمی شده اند. پس بهتر آن است که روایاتی را که در موارد خاصی وارد شده اند، اختصاص به موارد خود داده و بقیۀ موارد را در حوزهٔ شمول روایات عامه قرار دهیم. با تمام این مراتب رفع ناسازگاری در میان روایات باب از اهمیت خاصی برخوردار است که متأسفانه نیل بدین هدف بسیار مشکل است.

**ممکن است گفته شود:** هیچکدام از فقهاء امامیه با اتکاء به مرسلۀ صدوق و نظائر آن — که بر عدم جواز زدن بیش از ده تازیانه دلالت دارند — فتوا نداده اند بلکه عده ای از فقهاء اهل سنت به مضمون آن فتوا داده اند از جمله آنها — بنابریکی از دو روایت — احمد بن حنبل است و ممکن است با توجه به دلالت روایت، این روایت را به بیان حکم تأدیب و حدّ



موجود در آن را به اعم از حد مصطلح و تعزیر حمل کنیم

و موثقه نیز قابل خدشه است بدین ترتیب:

**اولاً:** کسی از فقهاء جز این حمزه در وسیله در مورد جرائمی که متناسب با قذف

است به مضمون آن فتوا نداده است.

بلی شافعی — بنا بر یکی از دو نقل قول — بر عدم جواز تجاوز تعزیر از بیست تازیانه

فتوا داده، چنانکه پیش از این از منهاج نقل شد.

**ثانیاً:** ظاهر موثقه این است که حداکثر تعزیر بیست یا نوزده تازیانه است ولی ظهور

صحیح حماد در این که حداکثر مجازات سی و نه ضربه باشد، اقوی از ظهور موثقه است.

بنا بر این از نظر ارزش استدلالی، قوی تر از موثقه و مقدم بر آن است بنا بر این ممکن است

موثقه حمل بر این شود که مجازات مذکور در آن از باب مثال و تعیین مصداقی از مصداقی آن

باشد و این معنی را اطلاقات تعزیر — که در روایات زیادی یا در بابهای مختلف، در مقام

بیان تعزیر بدون ذکر مقدار آن وارد شده — تأیید می کند و بدین ترتیب تعارض میان صحیح

و موثقه از میان برداشته می شود و عبارت فقه الرضا نیز چنین شیوه جمع بندی را تقویت

می نماید.

البته بعد از تتبعات، بر من ثابت شده است که فقه الرضا رساله علی بن بابویه

قمی (ره) است و در موقع نبودن نص، محل مراجعه فقهای امامیه بوده است زیرا نویسنده آن

(ابن بابویه) تسلط کاملی به فقه اهل بیت (ع) داشته است.

از آنچه گفته شد چنین نتیجه گیری می شود روایاتی که درباره مقدار معینی از

تعزیرات است به موارد خاص آن اختصاص داده می شود و جمع بندی میان روایات عامه

عمل به روایت فقه الرضا را که مقدار تعزیر را از ده و خرده ای تا سی و نه ضربه تعیین می کند،

اقتضاء می کند.

و ممکن است اختلاف روایات وارد در این مسأله را به تفاوت جرائم همچنین به

تفاوت مجرمین از نظر موقعیت و سابقه نیک و بد آنان و اختلاف مراتب تعزیر و شرائط زمانی

و مکانی آن و... حمل کرد زیرا تعزیر، یک امر صد درصد تعبدی نیست که در آن مانند حد

به مقدار خاص و تعیین شده اکتفا کرد، بلکه هدف از آن، تأدیب شخص بزهکار و بیداری

جامعه است بنا بر حسب اختلاف جهات یاد شده، ممکن است مقدار آن دستخوش تغییر و

دگرگونی شود پس می توان روایات مختلف را به اختلاف جهات مذکور ناظر دانسته و



بگوئیم: هرکدام از این روایات ما را به مرتبه خاصی از تعزیر راهنمایی می‌کند چنانکه قول معصوم در صحیحۀ حماد که فرمود: «تعداد تعزیر بستگی به نظر حاکم دارد که با در نظر گرفتن نوع جرم و قدرت تحمل بدنی مجرم تعیین می‌نماید» اشعار بر این مطلب دارد. آری در مقام تعزیر، تجاوز از مقدار تعیین شده به عنوان حدّ و حتی به مقدار آن هم جائز نیست، چنانکه روایت معتبر سکونی - از ابو عبد الله (ع) از آباء کرامش از رسول خدا (ص) که فرمود: هرکس در مقام تعزیر به اندازه مقدار تعیین شده به عنوان حدّ، اجرای مجازات کند، از تجاوزکاران محسوب می‌شود - بر این مطلب دلالت دارد.<sup>۲۲</sup> این حدیث را بیهقی نیز از ضحاک از رسول خدا (ص) روایت کرده است<sup>۲۳</sup>

#### جهت هفتم: در مقدار تنبیه تأدیبی است.

روشن است که تأدیب کودک و برده متخلف غیر از تعزیر مجرم است، زیرا تعزیر در مقابل انجام کاری که ذاتاً حرام است اجرا می‌شود ولی تأدیب برای کارهایی که معمولاً انجام دادن آن شایسته نیست ولی ذاتاً به مرحله حرمت ذاتی نرسیده است انجام می‌گیرد و اصولاً مقدار تنبیه آن نیز از مجازات تعزیر باید کمتر باشد.

شیخ می‌گوید<sup>۲۴</sup>: کودک و برده اگر مرتکب خطائی شدند پنج تا شش تازیانه به آنها زده می‌شود نه بیشتر.

محقق در شرایع گوید: به منظور تأدیب کودک و همچنین برده بیشتر از ده تازیانه نارواست.

عرض می‌شود: چون اصل در مسأله، روایات مستفیضه است، آنها را بررسی می‌کنیم:

۱ - در روایتی حماد بن عثمان می‌گوید: از ابو عبد الله (ع) درباره تأدیب کودک و

برده سؤال کردم، فرمود: با ملایمت پنج تا شش تازیانه بزن.<sup>۲۵</sup>

۲ - در روایت زرارۀ آمده است: به ابو عبد الله (ع) گفتم نظر مبارکتان درباره زدن

برده چیست؟ فرمود آنچه که از دستش در رفته مؤاخذه‌ای ندارد، ولی اگر ترمّد بکند زدن او عیبی

ندارد. گفتم چقدر بزنم؟ فرمود سه یا چهار و یا پنج تازیانه.<sup>۲۶</sup>

.....

۲۲ - وسائل ج ۱۸ ص ۳۱۲.

۲۵ - وسائل الشیعة، ج ۱۸ ص ۵۸۱.

۲۳ - ج ۸ ص ۳۲۷.

۲۶ - وسائل الشیعة، ج ۱۸ ص ۵۸۲.

۲۴ - آخر کتاب حدود از کتاب نهایة ص ۷۳۲.





۳ - در روایت سکونی از ابو عبدالله (ع) چنین نقل شده: کودکان مدرسه، خط های خود را در مقابل امیرالمؤمنین (ع) قرار دادند تا بهترین آنها را انتخاب فرماید، آن حضرت فرمود: این کار نوعی حکومت است و ستم روا داشتن در آن، ستم در امر حکومت می باشد به معلم خودتان از طرف من بگوئید که اگر بیش از سه تازیانه به منظور تأدیب به شما بزند از او قصاص می کنم. ۲۷

۴ - در موقفه اسحاق بن عمار آمده که می گفت: به ابو عبدالله (ع) گفتم گاهی غلامم را به خاطر بعضی از جرائمش کتک می زنم فرمود: چقد می زنی؟ گفتم بعضی اوقات تا صد تازیانه می زنم، با ناراحتی فرمود: صدتا؟ این کلمه را دوبار تکرار کرده و سپس فرمود: به او حدّ زنا می زنی؟ از خدا نمی ترسی؟ پرسیدم فدایت شوم پس چند ضربه باید بزنی؟ فرمود یک تازیانه، گفتم: به خدا قسم اگر او بداند که او را بیش از یک تازیانه نخواهم زد چیزی را باقی نمی گذارد.

فرمود: پس دو تا بزنی، گفتم در این صورت او مرا هلاک می کند، اسحاق گوید: من مرتباً در مقابل امام ایستادگی می کردم تا به پنج تا رسید، سپس خشمگین شده و فرمود: اگر جرمی مرتکب شده که حدّش را می دانی حد را بر او جاری کن و از حدودی که خدا تعیین فرموده، تجاوز نکن. ۲۸

۵ - در روایت علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر آمده که از آن حضرت پرسیدم آیا شخص می تواند برده اش را به خاطر گناهی که مرتکب شده بزند؟ فرمود: او را به تناسب گناهی که مرتکب شده بزند، اگر مرتکب زنا شد او را تازیانه می زند و در غیر این صورت به تناسب جرم ارتكابی یک یا دو تازیانه می زند و در مجازات نباید زیاده روی کند. ۲۹

۶ - در مستدرک ۳۰ از فقه الرضا روایت می کند: مقدار تأدیب سه تا ده تازیانه است و نظائر این روایات که در این باب وارد است.

پیش از این در جهت ششم گفتیم که روایات حاوی ده تازیانه، همگی حمل به تأدیب می شوند. مخفی نماند چنانکه اشاره کردیم روایات مذکور، شامل مواردی که برده به یکی از جرائمی که از طرف شارع مقدس مجازات معینی برای آنها تعیین شده، نمی شود و همچنین شامل کودک ممیزی که به یکی از این گونه جرائم مانند لواط و دزدی

۲۷ - وسائل الشیعة، ج ۱۸ ص ۵۸۲.

۲۹ - وسائل الشیعة ج ۱۸ ص ۳۴۰.

۲۸ - وسائل الشیعة، ج ۱۸ ص ۳۳۹.

۳۰ - ج ۳، ص ۲۴۸.



و... مرتکب شده، نمی شود زیرا روشن است در این موارد، مرتکب را تعزیر می کنند نه تأدیب.  
 پس موارد تأدیب عبارت است از تخلفات عادی نه شرعی مخصوصاً نوع زشت آن.  
 و آیا تأدیب در موارد آن واجب است یا نه؟

**عرض می شود:** اگر موارد تأدیب را در تخلفات عادی محدود کنیم واجب بودن اجرای آن دلیلی ندارد، ولی اگر آن را اعم از تخلفات عادی و پاره ای از محرمات شرعی که ذاتاً حرامند بدانیم، در آن صورت باید قائل به تفصیل شویم به این معنی که: اگر مفسده ای بر ترک تأدیب مترتب شود واجب می شود و الا نه. و اگر تأدیب برده به خاطر ضایع کردن حقوق اربابش باشد در آن صورت عفو بهتر است چنانکه رفتار ائمه معصومین (ع) با برده گانشان در مواقع تخلف آنها، شاهد این مطلب می باشد.

**و در جواهر<sup>۳۱</sup> گوید:** لازم به تذکر است که سخن در تأدیبی است که مربوط به مصلحت کودک باشد نه تأدیبی که به انگیزه خشم و غضب انجام می شود زیرا در صورت اول ممکن است کودک ادب پذیرد.

ما بر فتوای صاحب شرایع مبنی بر کراهت تأدیب بیشتر از ده تازیانه دلیلی نمی بینیم زیرا آنچه در فقه الرضا آمده از قبیل «تأدیب، سه تا ده تازیانه می باشد»، علاوه بر اینکه حجیتی ندارد به کراهت دلالت نمی کند و حمل مرسله صدوق به کراهت مشکل است زیرا دلالت آن بر حرمت از قوت بیشتری برخوردار است و شاید مورد آن به قرینه به کار رفتن کلمه والی در آن، تعزیر باشد نه تأدیب. آری مفاد روایت ابو بکر و امثال آن اعم از تأدیب است پس حمل آن بر تأدیب به منظور جمع در میان روایات مربوطه چنانکه گذشت ممکن است، به هر حال مقتضای احتیاط در مسأله موافقت با فتوای نهاییه است اگر چه در صورت احتیاج و اصرار مرتکب خطا، تجاوز از شش تازیانه جایز است زیرا غرض از آن حصول ادب است. تعزیرات و تأدیبات چنانکه پیش از این گفتیم از امور تعبیدی صرف نیست به همین جهت در موارد آن به صورت مطلق امر به اجرای آنها شده که ظهور چنین امری در وا گذاشتن تعیین مقدار آن به نظر مجری تعزیر و یا تأدیب است تا به هر صورتی که با در نظر گرفتن مقتضیات و شرایط صلاح می داند مقدار آن را تعیین نماید از آنجائی که بحث ما در ارتباط با وظائف حکام شرعی انجام می شود و تأدیب از وظائف مخصوص آنان نیست لذا بحث پیرامون آن را به صورت ضمنی انجام دادیم.

.....

۳۱- ج ۴۱، ص ۴۴۶.